صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

رویداد

زن جوان ۳ زندگی بخشید

اهدای اعضای بدن زن جوانی که دچار مرگ مغزی شده بود به ۳ بیمار زندگی دوباره‌ای بخشید. این زن جوان که شعله مهرابی‌فرد نام داشت و اهل آلیکوه شهرستان اردل واقع در استان چهارمحال و بختیاری بود بر اثر تشنج دچار مرگ مغزی شده بود که با موافقت خانواده‌اش کلیه‌ها و کبد وی به ۳ بیمار مرگ مغزی اهدا شد.

داخلی

آزادی ۷۰ زندانی به‌مناسبت سالگرد ارتحال امام

۷۰ نفر از زندانیان جرائم غیرعمد و محکومان مالی استان آذربایجان شرقی به مناسبت گرامیداشت شهدای خدمت و سالگرد ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی آزاد شدند. به‌گفته رئیس کل دادگستری این استان مبلغ بدهی این مددجویان ۳۳ میلیارد تومان بود که برای آزادی آنها از خیران و ستاد دیه کمک گرفته شد.

آن سوی مرز

استخدام قاتل برای کشتن شوهر

زن تایلندی وقتی متوجه خیانت شوهرش شد، ۳ قاتل استخدام کرد تا او را به قتل برسانند.
به‌گزارش همشهری، به نقل از رسانه‌های تایلند، وانیپا هاملا ۳۷ساله وقتی در جریان خیانت همسر تاجرش به نام پیچیت کلیپچیندا، ۴۴ساله قرار گرفت، بارها سر این مسئله با او مشاجره و دعوا کرد اما وقتی دید همسرش به کارهایش ادامه می‌دهد، تصمیم هولناکی برای از بین بردن او کشید.
او برای اینکه نقشه خود را عملی کند، با استفاده از یک اپلیکیشن آنلاین به‌دنبال استخدام قاتل اجاره‌ای بود تا اینکه در اواخرماه مارس از طریق یک چت‌روم ۳مرد را برای اجرای نقشه جنایت استخدام کرد. بعد از توافق اولیه، آنها در اول‌ماه آوریل با یکدیگر دیدار کردند و زن جوان ۳۰۰هزار بات تایلند به آنها پرداخت تا نقشه قتل را عملی کنند.
این زن نقشه قتل را برنامه‌ریزی کرده بود و روز ۸ آوریل از همسرش خواست تا به یک رستوران بیاید، اما خودش سر قرار حاضر نشد و قاتلان اجاره‌ای به جای او به رستوران رفتند و شوهر وی را مورد هدف گلوله قرار دادند، اما او از این حمله جان سالم به در برد و به خانه برگشت.
با وجود اینکه او آن شب از این سوءقصد جان سالم به در برد، اما فردای آن روز، جسد بی‌جانش در خانه‌اش درمنطقه ماها سراخام بانکوک پیدا شد.
همسرش همان روز به جای اطلاع دادن به پلیس بلافاصله دکتر خانوادگی‌شان را خبر کرد. او نیز یک گواهی فوت صادر کرد و در آن نوشت که پیچیت به مرگ طبیعی جان‌باخته است. اما خواهر پیچیت مرگ طبیعی برادرش را باور نداشت و پلیس را در جریان این مرگ مشکوک قرار داد.
وقتی تحقیقات پلیس آغاز شد، در بررسی‌های اولیه همه‌چیز عادی به‌نظر می‌رسید اما در بررسی حساب بانکی همسر مقتول مشخص شد که او به‌تازگی مبلغ زیادی برای چند نفر واریز کرده است. همچنین در ردیابی گوشی موبایل زن جوان، چت‌هایی که با قاتلان اجاره‌ای داشت کشف شد. بدین‌ترتیب وانیپا چند روز پیش درمنطقه رام اینترای بانکوک دستگیر شد. همچنین ۲ نفر از قاتلان اجاره‌ای همان روز دستگیر شدند اما نفر سوم متواری شد. این ۲ قاتل اجاره‌ای در اعترافاتشان نحوه آشنایی با همسر مقتول، خرید تجهیزات و چگونگی حمله را برای پلیس تعریف کردند و حالا پلیس احتمال می‌دهد که همسر مقتول بعد از اینکه قاتلان اجاره‌ای در اجرای نقشه قتل موفق نشدند، خودش همسرش را در خواب به قتل رسانده است. در این شرایط کالبدشکافی و تحقیقات بیشتر برای تعیین علت و نحوه دقیق مرگ ادامه دارد.

جنایی

خشم مرگبار پدر

پدر خشمگین با پسر شیشه‌ای خود درگیر شد و ناخواسته او را به قتل رساند.
به گزارش همشهری، این حادثه چهاردهم خردادماه در یکی از محله‌های پایتخت رخ داد. مقتول جوان ۲۰ساله‌ای بود که هدف ضربات چاقو قرار گرفته و پس از انتقال به بیمارستان، به‌رغم تلاش پزشکان جانش را از دست داده بود. در ادامه تحقیقات مشخص شد که پدر وی عامل این جنایت است که توسط کارآگاهان جنایی پایتخت دستگیر شد. وی که مردی ۸۰ساله است در تحقیقات گفت: پسرم با دوستان خلافکارش رفت‌وآمد کرد تا اینکه معتاد به شیشه شد، هرچند تلاش زیادی کردم تا پسرم مواد را ترک کند. او را به کمپ فرستادم اما فایده‌ای نداشت. او هربار که از کمپ بیرون می‌آمد، مجددا به سمت مواد می‌رفت. وی ادامه داد: هروقت مواد به پسرم نمی‌رسید او خشمگین می‌شد و ما را کتک می‌زد تا پول بگیرد. روز حادثه هم ابتدا به سمت من، بعد همسرم و سپس خواهرانش هجوم برد تا هرطور شده پول موادش را بگیرد. من هم وقتی دیدم او در حال کتک زدن دخترانم است، چاقویی برداشتم تا او را بترسانم. حتی ۲ ضربه به سمتش پرتاب کردم اما به قیمت جانش تمام شد درحالی که من اصلا قصد کشتن او را نداشتم. حالا هم به‌شدت پشیمانم و هنوز باورم نمی‌شود که پسرم را به قتل رسانده‌ام.
این مرد برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

سگ‌های ولگرد جان کودکی را گرفتند، دیگری را به کما فرستادند و باعث مجروحیت سومین کودک شدند

حمله هولناک سگ‌ها به ۳ کودک

گزارش **الهه فراهانی** روزنامه‌نگار

سریال حمله سگ‌های ولگرد به کودکان تمامی ندارد و هرازگاهی از گوشه و کنار کشور خبری مخابره می‌شود که دل هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد؛ درست مثل خبرهایی که در روزهای اخیر از همدان، نکا و دزفول به گوش رسید. در روزهای اخیر سگ‌های ولگرد در این شهرها به ۳کودک حمله کردند که در جریان این حمله‌ها، کودکی جان باخته، کودک دیگری به کما رفته و سومین کودک نیز دچار جراحات شدید شده است. این گزارش روایت ۳حادثه هولناک است که عاملان آن، سگ‌های ولگرد بودند.

ده‌دلیان، همدان

روستای کوچک ده‌دلیان که در جاده همدان-قهاوند واقع است، جمعیت زیادی ندارد، اما همین جمعیت اندک، این روزها عزادار مرگ پسربچه‌ای ۸ساله به نام حسین شاه‌محمدی هستند که چند روز پیش قربانی حادثه‌ای مرگبار شد. دوازدهم خردادماه بود که حسین کوچولو برای بازی از خانه‌شان بیرون رفت و دیگر کسی او را ندید. ساعتی از رفتن او گذشته بود که یکی از اهالی روستا، در جایی بیرون از روستا جسد غرق در خون او را دید که روی زمین افتاده بود. هنوز کسی از جزئیات حادثه‌ای که رخ داده بود، خبر نداشت تا اینکه معلوم شد حسین کوچولو قربانی سگ‌های ولگرد شده است. به‌گفته یکی از اهالی روستا، سگ‌های ولگرد پس از حمله به پسربچه، جراحات عمیقی روی نقاط مختلف بدن او ایجاد کرده بودند و پیکر او وقتی پیدا شد که جانی در بدن نداشت. براساس گزارش علوم‌پزشکی همدان، این کودک متأسفانه از نواحی مختلف بدن ازجمله سر، پا، دست و شکم دچار آسیب‌های جدی شده و جان خود را از دست داده است.

برای امیرحسین دعا کنید

حادثه تلخ دیگری که سگ‌های ولگرد آن را رقم زدند، در شهرستان دزفول اتفاق افتاد.
یک سگ ولگرد به پسربچه ۵ساله‌ای به نام امیرحسین حمله کرد و صورت او را گاز گرفت، اما همین گازگرفتگی حالا باعث به کما رفتن پسربچه خردسال شده است.
روز حادثه، امیرحسین و برادر بزرگ‌ترش برای بازی به کوچه رفته بودند و مادر آنها برای گرفتن وقت دکتر، راهی بیمارستان شده بود. امیرحسین یک تکه نان در دستش بود که ناگهان سگی ولگرد به سمت وی هجوم برد. سگ، صورت این پسربچه را گاز گرفت و امیرحسین که از شدت درد به‌خودش می‌پیچید، شروع کرد به گریه کردن و فریاد زدن. برادر ۸ساله امیرحسین وحشت‌زده سراغ مرد همسایه رفت و برای نجات برادرش از او کمک خواست. مرد جوان با دیدن صحنه وحشتناک، فورا به سمت کودک رفت، سگ را فراری و کودک را نجات داد. سپس وی را به بیمارستان رساند و با پدر امیرحسین تماس گرفت تا ماجرای این حادثه تلخ را به او اطلاع بدهد. هرچند امیرحسین، صورتش بخیه خورد و پس از ۳روز درحالی که به‌نظر می‌رسید حالش خوب شده، از بیمارستان مرخص شد، اما هیچ‌کس خبر نداشت که این شروع ماجرایی دردناک است. عمه امیرحسین درباره جزئیات اتفاقی که برای کودک ۵ساله رقم خورده، به همشهری می‌گوید: امیرحسین ۳روز در بیمارستانی در دزفول بستری بود. به ما گفتند که ۳روز واکسن هاری تزریق شده و امیرحسین حالش خوب است. البته در ظاهر حال امیرحسین خوب بود و او درحالی که صورتش بخیه خورده و پانسمان شده بود، از بیمارستان مرخص شد. او حتی خودش پانسمانش را عوض می‌کرد و مشکلی نداشت، اما بعد از چند روز تب سراغش آمد. تب امیرحسین هر لحظه بالاتر می‌رفت و او دچار سرگیجه شدید و حالت تهوع شده بود. عمه امیرحسین توضیح می‌دهد: اول تصور نمی‌کردیم که تب او به حمله سگ مربوط باشد. برادرم و عروسمان، به سرعت پسرشان را به بیمارستانی در دزفول بردند و او بستری شد. پس از آنکه آزمایش‌های لازم از امیرحسین گرفته شد، مشخص شد سگی که امیرحسین را گاز گرفته مبتلا به هاری بوده و آنطور که به ما گفتند، تست هاری مثبت بوده است. خانواده امیرحسین که نگران وضعیت وی بودند، تصمیم گرفتند کودک را برای ادامه درمان، به بیمارستانی در تهران منتقل کنند. عمه او می‌گوید: آنطور که پزشکان تهران می‌گویند، سهل‌انگاری در تزریق واکسن ضدهاری صورت گرفته؛ حالا یا دوزها به‌صورت کامل تزریق نشده یا واکسن تاریخش گذشته که تأثیری روی کودک نداشته و باعث بروز علائم هاری در بدن جگرگوشه ما شده است.
این زن ادامه می‌دهد: برادرم و همسرش اصلا حال مساعدی ندارند و این روزها بیشتر پیگیر حال امیرحسین هستند. روز و شب آنها در بیمارستان می‌گذرد، اما ما قطعا به‌زودی از تیم پزشکی بیمارستان موردنظر در دزفول شکایت می‌کنیم و آنها باید به‌خاطر این قصور پزشکی پاسخگو باشند. هرچند از روزی که شنیدند حال امیرحسین بدتر شده، مدام به ما زنگ می‌زنند و پیگیر حال وی هستند، اما دیگر فایده‌ای ندارد، وقتی بچه روی تخت بیمارستان است و حال مساعدی ندارد.
امیرحسین این روزها در کمای مصنوعی به سر می‌برد تا پزشکان بتوانند داروهای قوی به او تزریق کنند.
عمه امیرحسین ادامه می‌دهد: من از مردم می‌خواهم که برای کودک عزیز ما دعا کنند تا امیرحسین صحیح و سالم به خانه برگردد. او دلش می‌خواهد فوتبالیست شود و امیدواریم با دعای مردم، او از این ماجرا جان سالم به در ببرد.
وی درباره سگ‌های ولگرد نیز می‌گوید: ما در مرکز شهر دزفول زندگی می‌کنیم و سگی که به امیرحسین حمله کرده، تنها سگ در آن منطقه است. آنجا نه بیابانی است و نه ساختمان نیمه‌کاره دارد. تاقبل از این هم نشنیده بودیم که این سگ به سمت بچه‌ها حمله کند. این نخستین اتفاقی بود که در محله ما رخ داد و حالا همه اهالی محل به‌شدت ترسیده‌اند.

کابوس‌های وحشتناک

حادثه حمله سگ به کودکان در شهرستان نکا نیز بارها تکرار شده است. در تازه‌ترین اتفاق دختربچه‌ای ۹ساله به‌دلیل حمله سگ در بیمارستان بستری و روز گذشته برای دومین‌بار به اتاق عمل منتقل شده و تحت عمل جراحی قرار گرفته است. مادر ضحی درباره جزئیات اتفاق تلخی که برای دخترش رخ داده به همشهری می‌گوید: ما در مرکز شهر نکا زندگی می‌کنیم. ساعت ۵عصر پنجم خردادماه بود که دخترم ضحی برای برداشتن وسیله‌ای از داخل ماشین پدرش، از خانه بیرون رفت. ما طبقه چهارم ساختمان زندگی می‌کنیم و ماشین شوهرم نیز در کوچه پارک شده بود. دقایقی از رفتن ضحی می‌گذشت که صدای جیغ و فریاد او را شنیدیم. فورا من و همسرم به سمت پنجره رفتیم و دیدیم که سگ به دخترمان حمله کرده است. من و همسرم دیگر متوجه نشدیم پله‌ها را چطور به سمت پایین رفتیم، اما خوشبختانه مردی که شاهد حادثه بود به کمک دخترم رفت و او از چنگ سگ نجات یافت. وی ادامه می‌دهد: دخترم از ناحیه پا، کمر و صورت به‌شدت آسیب دیده بود که فورا او را به بیمارستان انتقال دادیم. عمل نخست چند روز قبل روی دخترم انجام شد و عمل دوم نیز دیروز (چهارشنبه ۱۶خرداد). بدنش دچار عفونت شده و از همه بدتر کابوس‌های وحشتناکی است که هر شب سراغ دخترم می‌آید. او مدام در خواب جیغ می‌کشد و وحشت‌زده بیدار می‌شود و می‌گوید سگ به او حمله کرده است. پزشکان گاهی ناچار می‌شوند به او قرص خواب بدهند تا از دست این کابوس‌ها خلاص شود. مادر ضحی ادامه می‌دهد: پس از بهبود دخترم، حتما موضوع این سگ‌ها را پیگیری و شکایت خواهم کرد. هرچند که بارها اهالی محل از ارگان‌های ذیربط درخواست جمع‌آوری سگ‌های ولگرد را داشته‌اند، اما کسی جدی نگرفته و اهمیت نداده است. این چندمین‌باری است که سگ به بچه‌ها حمله می‌کند، اما حمله به دختر من از همه شدیدتر بوده است. ما در مرکز شهر هستیم، اما در حومه شهر این مسئله خیلی زیاد است. حتی چند وقت پیش شنیدم که سگ به دوقلوهایی در نکا حمله کرده‌اند و یکی از آنها به‌شدت مجروح شده که بعد از چند روز جان باخته است. این موضوع باید توسط مسئولان جدی گرفته شود. حتی مردمی که برای دفاع از حیوانات، به این سگ‌های ولگرد غذا می‌دهند از عواقب این کار بی‌خبر هستند که ممکن است جان مردم خصوصا کودکان بی‌دفاع ما به خطر بیفتد.

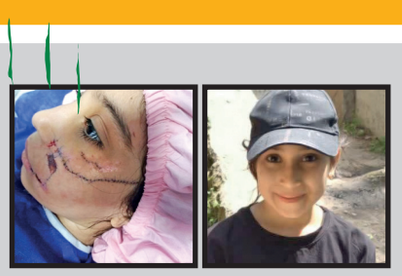

۵سال پس از قتل زنی جوان، عاملان جنایت از سوی اولیای دم بخشیده شدند

بخشش ۲ باجناق قاتل

دو باجناق سابق که با همدستی یکدیگر زنی را به قتل رسانده و جسدش را در بیابانی دورافتاده دفن کرده بودند، ۵سال پس از این جنایت توسط اولیای دم بخشیده شدند. به گزارش همشهری، اردیبهشت سال ۹۸ فرزندان زنی جوان نزد مأموران پلیس بندرعباس رفتند و از مفقود شدن مادرشان خبر دادند. آنها گفتند که مادرشان از چند روز قبل از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته و به تماس‌های تلفنی آنها هم جواب نمی‌دهد. یکی از آنها گفت: پدر و مادرم چند سال قبل از یکدیگر جدا شدند و ما با مادرمان زندگی می‌کردیم تا اینکه چند روز قبل او ناپدید شد و می‌ترسیم بلایی بر سرش آمده باشد.
با آغاز تحقیقات درباره این زن معلوم شد که او از مدتی قبل با مردی ارتباط داشته و ممکن است این مرد از سرنوشت او اطلاع داشته باشد. این مرد نیز چند سال قبل از همسرش جدا شده و به‌تنهایی زندگی می‌کرد. او در بازار ماهی‌فروشان بندرعباس کار می‌کرد و چند روز بعد از مفقود شدن زن جوان به پلیس احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد ارتباط با زن جوان را قبول کرد، اما مدعی شد از سرنوشتش اطلاعی ندارد. در این شرایط بازجویی‌ها از وی ادامه پیدا کرد تا اینکه در اعترافاتی هولناک گفت که با همدستی باجناق سابقش زن جوان را به قتل رسانده است.

ناگفته‌های جنایت

متهم در اعترافاتش گفت: بعد از آنکه از همسرم جدا شدم مدتی از بندر رفتم و چند سالی در شهر دیگری زندگی می‌کردم تا اینکه دوباره به بندر برگشتم. این بار در بازار ماهی‌فروشان مشغول به کار شدم و در آنجا بود که با زن جوان آشنا شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. هنوز وضعیت مالی خوبی نداشتم و مشکلاتم زیاد بود. یک روز سراغ باجناق سابقم رفتم و از او کمک خواستم. او هم خانه کوچکی را که داشت به من داد تا در آنجا زندگی کنم. متهم ادامه داد: یک روز که زن جوان را به خانه‌ام دعوت کرده بودم، ناگهان باجناقم سر رسید و از دیدن زن جوان در خانه شوکه شد. او به‌تندی با من برخورد کرد و گفت نباید کسی را به خانه می‌آوردم. او گفت باید زن جوان را از خانه‌ام بیرون کنم. من در شرایط سختی قرار گرفته بودم و نمی‌دانستم چه کار کنم. در این شرایط بود که تصمیم گرفتم حرف باجناق سابقم را گوش کنم و زن جوان را بیرون کنم. در این بین من و زن جوان با هم درگیر شدیم و باجناق سابقم هم از من حمایت کرد و دقایقی بعد وقتی به خودمان آمدیم زن جوان را خفه کرده بودیم. ما در ادامه با همدستی یکدیگر جسد را به بیابانی دورافتاده بردیم و در آنجا دفن کردیم. بعد هم با هم قرار گذاشتیم که از این ماجرا با کسی حرف نزنیم.

مکث

بخشش؛ ۵سال پس از جنایت

به‌دنبال اعترافات این متهم، باجناق سابقش نیز دستگیر شد و در اعترافاتش حرف‌های نخستین متهم را تأیید کرد. او گفت ناخواسته پایش به این پرونده باز شده است. متهم گفت: همسرم همیشه به من می‌گفت که شوهرخواهر سابقش مرد خوبی نیست و همیشه از من می‌خواست که با او رابطه‌ای نداشته باشم. همسرم وقتی فهمید که من خانه‌ام را در اختیار او قرار داده‌ام، تا چند روز قهر کرد. حالا فهمیده‌ام که اشتباه کردم و بی‌جهت پایم به پرونده قتل باز شد.
در ادامه رسیدگی به این پرونده، متهمان در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان به اتهام قتل محاکمه شدند. شواهد به‌دست آمده نشان می‌داد که هر دو متهم به یک میزان در قتل مقصر هستند. در این شرایط بود که هیأت قضایی هر دو متهم را به قصاص محکوم و اولیای دم را موظف کرد تا پیش از اجرای حکم تفاضل دیه محکومان را پرداخت کنند. هرچند این رأی مدتی بعد قطعی و آماده اجرا شد، اما از مدتی قبل مسئولان واحد صلح و سازش دادگستری هرمزگان تلاش‌هایشان را برای صلح و سازش در این پرونده آغاز کردند و در نهایت با تلاش‌های قاضی الهام پوردهقان فراشاه، مسئول واحد اجرای احکام و کاظم شاهرخ‌نیا، از اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس اولیای دم حاضر شدند در قبال دریافت دیه هر دو محکوم را ببخشند تا این پرونده مختومه شود.

انتظامی

پلیس فرشته نجات مرد جوان شد

مردی به دلایل نامعلوم خودش و خودرواش را در خیابان به آتش کشید و در یک قدمی مرگ قرار داشت اما پلیس فداکار با دیدن این صحنه این مرد را از مرگ نجات داد و خودش دچار سوختگی شد.
به‌گزارش همشهری، این حادثه در یکی از خیابان‌های مشهد اتفاق افتاد. مرد جوان به دلایل نامعلوم در خیابان فریاد می‌کشید و می‌گفت می‌خواهد خودش و ماشینش را به آتش بکشد. در این شرایط بود که مردم دور او حلقه زدند و با کنجکاوی ماجرا را بررسی می‌کردند. لحظاتی بعد مأموران گشت کلانتری نجفی سر رسیدند و یکی از مأموران برای بررسی ماجرا جلو رفت. مرد خشمگین با دیدن مأمور پلیس شروع به تهدید کرد و مقداری بنزین روی خود و خودرواش ریخت. او یک فندک هم در دست داشت و تهدید می‌کرد که خودسوزی می‌کند. در این شرایط مأمور فداکار برای نجات جان او جلو رفت اما ناگهان او فندک را روشن کرد. در این حادثه هرچند خودروی این مرد در آتش سوخت اما با کمک پلیس فداکار این مرد از سوختگی شدید نجات پیدا کرد.
سرهنگ محمد چراغ، جانشین فرمانده انتظامی مشهد در این‌باره گفت: این فرد با اقدام شجاعانه مأمور کلانتری از مرگ نجات یافت. در این حادثه مأمور انتظامی نیز از ناحیه صورت و دست‌ها دچار سوختگی سطحی شد و همراه مصدوم دیگر به مراکز درمانی انتقال یافتند.

انهدام باند سارقان مسلح اهواز و کارون

اعضای باندی که با سلاح جنگی و شکاری دست به زورگیری و سرقت از مغازه‌ها در شهرهای اهواز و کارون می‌زدند، دستگیر شدند.
به‌گزارش همشهری، رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان با بیان جزئیات سرقت‌های این باند مخوف گفت: در پی وقوع سرقت‌های مسلحانه از شهروندان در معابر و همچنین سرقت از مغازه‌ها در شهرستان‌های اهواز، کارون و باوی، شناسایی و دستگیری سارقان به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی استان قرار گرفت.
سرهنگ سیروس دریکوند ادامه داد: کارآگاهان با انجام بررسی‌های تخصصی و پیگیری سرنخ‌های به‌جامانده از سارقان موفق شدند هویت هر ۴سارق مسلح را که به وسیله یک قبضه سلاح جنگی کلاش و همچنین سلاح شکاری و با ایجاد رعب و وحشت اقدام به سرقت کرده بودند، شناسایی کنند.
به‌گفته وی، در ادامه تحقیقات، ۲نفر از این سارقان در یک عملیات هوشمندانه و غافلگیرانه در مخفیگاهشان دستگیر شدند و ۲سارق دیگر که در شهرستان باوی حضور داشتند در جریان تعقیب و گریز و پس از شلیک گلوله از سوی پلیس به دام افتادند.
رئیس پلیس آگاهی خوزستان تأکید کرد: سارقان در تحقیقات پلیس به چندین فقره سرقت مسلحانه و خشن اعتراف کرده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.
رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان گفت: مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک فقره کیف سامسونت بزرگ حاوی دستگاه تعیین غلظت نفت در اکتشافات، یک دستگاه پژو پارس مسروقه، تعدادی قطعات پژو پارس اوراقی، یک قبضه شمشیر و یک جفت پلاک مسروقه، یک قبضه سلاح شکاری، یک قبضه سلاح جنگی کلاش به همراه یک تیغه خشاب و ۲۱تیر جنگی، یک قبضه سلاح کمری به همراه یک تیغه خشاب و ۵تیر جنگی کشف کردند.

مرگ عجیب زن میانسال پس از نوشیدن آبمیوه

زنی ۶۰ساله، یک لیوان آبمیوه‌ای که از آبمیوه‌فروشی خریده بود، نوشید اما لحظاتی بعد حالش بد شد و سپس جان باخت.
به‌گزارش همشهری، این حادثه روز سه‌شنبه، پانزدهم خرداد در یکی از خیابان‌های شمال تهران رخ داد. این زن به همراه شوهرش برای تفریح و خرید به خیابانی در شمال تهران رفته بودند که احساس تشنگی کردند و تصمیم گرفتند آبمیوه‌ای بنوشند. زن میانسال به سمت آبمیوه‌فروشی رفت و ۲لیوان آبمیوه خرید. زوج میانسال، آبمیوه را نوشیدند اما چند دقیقه بعد زن میانسال حالش بد شد. شوهر وی که دستپاچه شده بود، فورا با اورژانس تماس گرفت اما قبل از رسیدن اورژانس، زن میانسال به کام مرگ رفت. در این شرایط بود که گزارش این حادثه به پلیس و قاضی امیرحسین علیمردان بازپرس جنایی اعلام شد و به دستور وی جسد زن میانسال برای مشخص‌شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت تا معمای این حادثه رازگشایی شود.